

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: سهراب شباهنگ

۰۳ می ۲۰۱۷

دو سند در باره ستراتیژی امریکا در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی

۳

سیاست جدید در باره ایران

ایالات متحده برای پیشبرد سه رکن اهداف هسته‌ای، منطقه‌ای و جهانی‌اش در مورد ایران، باید ستراتیژی مهار را اتخاذ کند. این ستراتیژی مستلزم این است که ایران باور کند که تقابل با منافع ایالات متحده پرهزینه است و به عکس رعایت قواعد بازی نظم منطقه‌ای و بین‌المللی [برای او] سودمند خواهد بود. اما پیش از پرداختن به سیاست‌هایی که این ستراتیژی را تشکیل می‌دهند، بحث در باره برخی اصول عام مفید خواهد بود:

- تقویت توانایی، اعتبار و صراحت. گراهام آلیسون استاد دانشگاه هاروارد خاطرنشان کرده که ستراتیژی مهار کردن مستلزم توانایی، اعتبار و صراحت است. به طور خاص، حفظ مهار و ادامه حضور نظامی مستقیم قوی در خاورمیانه، اعمال رهبری دیپلماتیک در منطقه و ادامه پیشبرد رشد کارشناسی در مورد ایران در شاخه اجرایی دارای اهمیت حیاتی است. ایالات متحده و متحدان ما باید از برخورد انعکاسی [واکنشی] به ایران بپرهیزند و در عوض با شکیبایی و روش مندانه به تقابل‌های ایران در مقابل منافع ایالات متحده بپردازند.
- تقویت توانایی‌های متحدان ایالات متحده. ایالات متحده باید مهار کردن ایران را نه تنها از طریق اعمال تنبیهی، مثلاً پس از پرتاب یک راکت یا تحریک بحری، بلکه همچنین با تقویت ظرفیت‌های تهاجمی و به ویژه دفاعی متحدان ما هدف قرار دهد به طوری که ایران به این نتیجه برسد که تقابل‌های بالقوه او بخت کمی برای موفقیت دارند.
- کاربرد همزمان [همانگونه] ابزارهای سیاسی. در این مورد و موارد دیگر ایالات متحده باید ابزارهای سیاسی را به طور همزمان و نه متوالی به کار گیرد و نباید هیچ ابزاری، خواه عمل نظامی یا مذاکره سیاسی را از روی میز بردارد؛ از نظر تاریخی کارآترین رویکرد نسبت به ایران دیپلماسی متکی بر نیرو یا تهدید معتبر توسط نیرو بوده است.

- حفظ وحدت بین المللی. ایالات متحده هر عملی انجام دهد باید تا آن حدی که ممکن است وحدت بین المللی را حفظ کند و در عین حال باید روی تلاش های ایران برای جدا کردن متحدان امریکا از او حساب کند.
- فهمیدن بده – بستن سیاسی. در حالی که ایالات متحده نیاز دارد تلاش های خود را در زمینه مهارکردن ایران در مقابل دیگر اهداف سیاست خارجی اش متعادل سازد، مقامات امریکائی باید به درستی بده – بستن ها را درک کنند. مثلاً پس راندن ایران معارض تلاش برای مقابله با داعش نیست بلکه مکمل آن است زیرا فعالیت های ایران، مانند حمایت او از رژیم اسد، برآمد داعش را تغذیه کرده اند.
- یکپارچه کردن مسؤولیت. دولت به لحاظ تشکیلات اداری باید تضمین کند که یک مسؤول وزارت خارجه بر تمام جنبه های سیاست مربوط به ایران نظارت کند با این هدف که پیاده کردن برجام، سیاست منطقه ئی و دیگر موضوعات در یک ستراتیژی واحد هماهنگ ادغام شوند نه این که به طور جداگانه و در رقابت با یک دیگر عمل کنند.

• **رکن اول: اجراء و تقویت توافق هسته ئی**

برجام توافق نامه ای معیوب است – به ایران اجازه فعالیت هسته ئی زیادی می دهد، مسأله تسلیم [هسته ئی] گذشته ایران و مسأله راکت ها را حل و فصل نمی کند و تدابیر آن برای مراقبت فعالیت هسته ئی مخفی ایران ناکافی است. افزون بر آن، این تدابیر پس از یک دهه به پایان می رسند. با این همه برجام یک واقعیت است که دولت جدید با آن روبه روست و ایران و متحدان امریکا در برابر مذاکره مجدد آن مقاومت خواهند کرد. واشینگتن با عقب نشینی از این موافقتنامه با وظیفه دشوار تدوین ستراتیژی جدیدی برای بازدارندگی برنامه هسته ئی ایران و گرد هم آوردن حمایت متحدان و تردید شدید بین المللی روبه رو خواهد بود.

بنابراین ایالات متحده باید نه برجام را به دور افکند و نه تعهد مطلق به آن داشته باشد، بلکه باید برای ایران و دیگر شرکای دیپلماتیک [ما] روشن سازد که بقای موافقتنامه به جدیت و دقت اجرای آن بستگی دارد. چون شرکای دیپلماتیک [ما] به حفظ برجام علاقه مند هستند چشم انداز تعهد ایالات متحده به برجام اهرمی برای اصرار بر اجرای جدی و تقویت آن فراهم می کند، نه از طریق از سرگرفتن روند ۱ + ۵ بلکه با تفسیر دقیق مواد موافقت نامه و تقاضای جنبی با اروپائی ها و دیگر متحدان ما در موضوعات مرتبط. به نظر می رسد که ایران هم علاقه مند به حفظ برجام باشد و این امر خطر این را که اجرای جدی موافقت نامه باعث دور شدن ایران از آن گردد به حداقل می رساند.

در «اجرای دقیق و جدی» برجام دولت ترمپ باید در نظر داشته باشد که اگر ایران به تقلب روی آورد احتمالاً این کار را به صورت پنهانی با استفاده از وسایل اعلام نشده انجام خواهد داد و نه در مقابل چشمان بازرسان بین المللی. برای مراقبت در برابر چنین احتمالی دولت باید اقداماتی در زمینه های زیر انجام دهد:

تقویت شفافیت

- آژانس بین المللی انرژی اتمی باید جزئیات بیشتری در گزارش عمومی [علنی] خود در مورد فعالیت های هسته ئی ایران ارائه دهد مانند آنچه قبل از برقراری برجام در گزارش های خود منتشر می کرد. در حالی که ایران محتملاً اعتراض خواهد کرد، چنین اقدامی موجب افزایش اعتماد به این که ایران به تعهداتش وفادار مانده خواهد گردید.

- آژانس باید به طور منظم گزارش های طبقه بندی نشده در باره تعهد ایران به برجام، پیشرفت فعالیت های هسته ای و فعالیت هائی با کاربرد دوگانه [غیر نظامی و نظامی]، تحقیق و توسعه در مورد سانتریفوژها، و توسعه راکتی و نیز تعهد دیگر دولت ها به برجام و دیگر تحریم های بین المللی ارائه دهد.
- تصمیمات کمیسیون مشترک برجام باید علنی گردد. طبق موافقتنامه این امر مستلزم اتفاق آرای گروهی است که ایران، روسیه و چین را نیز دربر می گیرد. اما امریکا و سه کشور اروپائی (فرانسه، آلمان و انگلستان) می توانند پشتیبانی خود را از توافق این کشورها در مورد شفافیت تصمیمات کمیسیون مشترک اعلام کنند.

مشارکت در اطلاعات

- تداوم اولویت دادن به تخصیص منابع اطلاعاتی برای نظارت بر فعالیت های هسته ای ایران و نیز خطرهای محتمل مربوط به آن (مثلاً تأمین مواد یا مصالح هسته ای از خارج یا استقرار تسهیلات مخفی هسته ای ایران در کشورهای ثالث).
- برقراری مکانیسم مبادله اطلاعات دائمی با متحدان اروپائی، آسیائی و خاورمیانه ای و نیز تبادل تحلیل ها.
- تأمین مالی کامل مکانیسم تبادل اطلاعاتی در باره ایران به رغم اولویت فزاینده دیگر تلاش ها مانند مبارزه به ضد داعش.

بازرسی و راستی آزمایی

- اصرار بر این که ایران محدوده [یا خط پایه] آغازین تمام مواد و مصالحی مانند ذخایر اورانیوم و اجزای سانتریفوژها را که برای برنامه هسته ای اش به کار می گیرد اعلام کند. این امر به آشکار شدن هر نوع اختلاف و انحراف بین مثلاً تعداد سانتریفوژها و تولید اجزای سانتریفوژ، [تفاوت بین آنچه هست و آنچه باید باشد] کمک می کند، تفاوت هائی که می تواند نشانگر فعالیت هسته ای اعلام نشده باشد. باید مسئولان آژانس انرژی هسته ای به راستی آزمایی همه مواد و مصالح و اجزای اعلام شده سوق داده شوند.
- همچنین باید بر آژانس بین المللی انرژی اتمی فشار وارد شود تا در اعمال بازرسی های مسئولان این آژانس در چارچوب پروتکل الحاقی [منع اشاعه هسته ای] که مکمل پادمان های موافقتنامه است و نیز تعهدهای برجام، با تهاجم حرکت کند، به ویژه در مورد فعالیت های احتمالاً اعلام نشده هسته ای و راستی آزمایی در مورد مصرف نهائی محصولات هسته ای و دو منظوره. قاعده یا نرمی باید برقرار شود که طبق آن چنین بررسی هائی نه امری استثنائی بلکه جزئی از عملکرد عادی برجام باشند و از این رو موجب بحران نگردند.
- آژانس بین المللی انرژی اتمی باید به میزان کافی تأمین مالی شود تا کمبودی در ظرفیت خود برای پیاده کردن برجام نداشته باشد.

تأمین مواد و مصالح هسته ای و عدم اشاعه هسته ای

- باید تضمین شود که دولت های عضو ملل متحد و بخش خصوصی بین المللی مسئولیت خود را در مورد صادرات هسته ای و دو منظوره به ایران، درک کنند.
- تقویت توانائی کنترل صادرات همه کشورها [به ایران]، به ویژه کشورهائی که سابقه مشارکت در معاملات غیرقانونی هسته ای و راکتی با ایران داشته اند.

- محدود کردن استفاده از کانال های تأمین مواد و مصالح توسط واحدهای ایرانی که سابقه معاملات غیرقانونی دارند، و یا - در حالت تأمین مواد و مصالح هسته ئی برای استفاده غیر نظامی در تسهیلات نظارت نشده [فعالیت می کنند].
- در مورد هرگونه کنترول و راستی آزمائی کانال تأمین مواد و مصالح که نتواند طی سی روز تعیین شده در برجام صورت گیرد باید فرض بر سرپیچی گذاشته شود و نه فرض بر رعایت مقررات.
- اصرار شود که دولت ها - از جمله ایران - صادرات هسته ئی و دو منظوره به ایران در خارج از کانال های تأمین مواد و مصالح را در قانون کشوری خود جرم تلقی کنند.
- با توجه به تکیه برجام بر این که تأمین کنندگان مواد و مصالح با مصرف نهائی [هسته ئی] یا دو منظوره مراقبت لازم بر اقلام صادراتی را انجام می دهند، لازم است بر آژانس بین المللی انرژی اتمی فشار وارد آید تا مسؤولان بازرسی خود را در زمینه راستی آزمائی مصرف نهائی در موارد مشکوک یا در مورد تأمین کنندگان غیر قابل اعتماد یا آنهایی که سابقه بی مبالائی دارند انجام دهند.
- باید پائل کارشناسان ملل متحد - که پس از تصویب برجام منحل شد - یا ارگان مشابهی دوباره مستقر شود تا فعالیت های هسته ئی و دو منظوره ایران را ارزیابی کند.

تحریم ها و پاسخ به نقض تعهدات

- ایالات متحده باید دقیقاً به تعهدات خود عمل کند اما باید در مقابل هرگونه تقاضائی که از آن تعهدات فراتر رود مقاومت ورزد مگر این که ایران هم به تعهدات خود بپیفزاید؛ تعهد ایالات متحده (و نیز ۵+۱) انجام یک رشته اعمال است و نه تضمین یک رشته نتایج برای ایران.
 - باید برای دیگر اعضای ۵+۱ روشن گردد که واشینگتن از آنها انتظار دارد تا نه تنها برجام را پیاده کنند بلکه الزامات وسیع تر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد (مثلاً ممنوعیت صدور برخی سلاح ها و محصولات مربوط به راکت به ایران) و دیگر قطعنامه های مرتبط با موضوع شورای امنیت ملل متحد را به اجراء درآورند.
 - اصرار به دولت ها برای وضع قوانینی، مانند ایالات متحده، که اجازه دهد، در صورت نقض برجام از جانب ایران یا سد کردن آن به شکل دیگر، دوباره تحریم ها را برقرار سازند.
 - وضع مقاوله نامه هائی با سه کشور اروپائی و دیگر متحدان برای پاسخ گوئی به نقض برجام و قطعنامه های ملل متحد، از جمله یک رشته تنبیهات برای تخطی های کوچک غیر از پشت کردن کامل به تعهدات. توافق با متحدان در مورد عدم بخشودگی نقض هائی مانند تجاوز از حدود توافق شده برای ذخیره اورانیوم غنی شده ضعیف، یا دور زدن محدودیت ها در مورد آب سنگین از طریق ذخیره مازاد در کشور همسایه عمان.
 - تأکید بر این که گزینه نظامی بر روی میز باقی خواهد ماند و حفظ حضور قوی نظامی [در منطقه] و برنامه ریزی مانورهای نظامی برای معتبر کردن این گزینه.
- از آنجا که برجام برخی از جنبه های مهم برنامه هسته ئی ایران - مثلاً برنامه راکتی - را حل و فصل نمی کند، صرف پیاده کردن جدی و دقیق برجام کافی نیست. دولت امریکا در عوض باید معایب بسیار مهم

موافقتنامه را که به ایران امکان می دهند حتی با رعایت کامل مواد برجام، برنامه تسلیح هسته ئی اش را به پیش برد، اصلاح کند.

- **تأخیر در دست یابی:** برجام به ایران امکان می دهد دست یابی بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی به تسهیلات مشکوک یا اعلام نشده را به مدت ۲۴ روز به تأخیر بیندازد. هرچند محو کامل آثار فعالیت با مواد رادیو اکتیو در این فاصله زمانی مشکل است، فعالیت های مربوط به تسهیلات هسته ئی همواره مستلزم کاربست این مواد نیستند؛ در چنین مواردی ۲۴ روز برای محو آثار جرم کافی است. حتا در مواردی که مواد رادیو اکتیو به کار رفته باشد، ایران می تواند از این فرجه زمانی برای محو دیگر مدارک که در تعیین منظور سایت مورد نظر نقش حیاتی دارند استفاده کند. برای حل این مسأله ایالات متحده باید اصرار کند که فرجه زمانی مربوط برای دست یابی بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی از ۲۴ روز به ۲۴ ساعت که در پروتکل الحاقی تعیین شده تقلیل یابد و تأخیرهای بیشتر از این حد مستوجب تنبیه و زمینه تحمیل مجدد تحریم ها باشد.

- **تلاش های تسلیحاتی – یا ابعاد ممکن نظامی (PMD):** برجام ایران را موظف نمی کند تا در مورد فعالیت تسلیحاتی [هسته ئی] گذشته خود پاسخگو باشد یا امکان دسترسی به سایت ها، پرسنل و اسناد مربوط به این فعالیت ها را داشته باشد، بلکه صرفاً تحقیقات گذشته آژانس در زمینه ابعاد ممکن نظامی را به نفع حرکت به جلو می بندد. هرچند در این مرحله دلیلی برای دنبال کردن مجازات ایران به خاطر فعالیت های تسلیحاتی گذشته اش وجود ندارد اما مقامات ایالات متحده (و ۵+۱) باید برای پرکردن کمبودهای اطلاعاتی در مورد میزان پیشرفت آن فعالیت ها عمل کنند تا مطمئن شوند سایت های تسلیحاتی و پرسنل مربوط به آن کار خود را از سر نگرفته اند. برای این منظور آژانس بین المللی انرژی اتمی باید از مسؤولان خود برای کسب دستیابی به سایت ها و پرسنل مربوط استفاده کند نه برای بازگشایی تحقیقات – که با برجام ناسازگار است – بلکه برای اطمینان حاصل کردن از فعالیت جاری آنها.

- **راکت ها:** مسلماً بزرگترین نقص برجام مربوط به فعالیت های راکتی ایران است. برجام این موضوع را اصلاً حل و فصل نمی کند و قطعنامه ۲۲۳۱ موانع آزمایش راکتی توسط ایران را کاهش می دهد و منع کمک کشورهای دیگر به ایران در زمینه فعالیت های مربوط به توسعه راکتی را تنها تا سال ۲۰۲۳ تمدید می کند. از آنجا که ایران اگر به دنبال راکت های بالیستیک بین قاره ای باشد احتمالاً نیازمند کمک های بین المللی است، تدابیر فرجام در این زمینه موفقیت بزرگی برای تهران به حساب می آید. ایالات متحده باید به دنبال کسب پشتیبانی متحدانش برای پاسخی چهارگانه باشد: (۱) اجرای جدی تر تحریم های موجود که فعالیت راکتی ایران را هدف قرار می دهند و وضع تحریم های تازه در صورت لزوم؛ (۲) تعهد به سد کردن یا تدبیر دیگر برای پاسخگویی به هرگونه آزمایش راکتی ایران که برای سرزمین یا نیروهای ایالات متحده خطر ایجاد کند؛ (۳) ارتقای تلاش ها برای منع مرسولات مرتبط با فعالیت راکتی به ایران یا از ایران و جمع آوری و اشتراک اطلاعات لازم برای مداخله در این زمینه؛ و (۴) تقویت و یکپارچه کردن بهتر دفاع ضد راکتی در خاورمیانه و در اروپا برای محو هرگونه مزیتی که ایران در صدد است با توانائی های راکتی اش به دست آورد.

• **انقضای برجام:** نقاط قوت و ضعف برجام هرچه باشند، برجام موافقتنامه ای موقت است. محدودیت های آن و آنچه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل به آن افزوده است به تدریج از سال ۲۰۲۱ پایان می یابند و کل آن تقریباً در سال های ۲۰۳۱-۲۰۲۶ منقضی می شود. هرچند این موافقتنامه مسلماً برای مخالفان ایران زمان می خرد برای ایران هم همین کار را می کند، به جمهوری اسلامی دوره ای برای توسعه فعالیت های سانتریفوژ و راکت ارزانی می کند دوره ای که در آن از سخت ترین تحریم های بین المللی در امان است. در نتیجه هنگامی که ایران بعداً توسعه غنی سازی و فعالیت های بازفرآوری را از سر می گیرد، «زمان گریز» [زمانی که برای انتقال از فعالیت هسته ئی عادی به ساختن سلاح هسته ئی لازم است - مترجم] او به نحو خطرناکی کاهش خواهد یافت و توانائی او برای به میدان آوردن راکت هسته ئی قابل استفاده به نحو خطرناکی پیشرفت خواهد کرد. برای مقابله با چنین احتمالی ایالات متحده باید به دنبال کسب پشتیبانی متحدانش برای پاسخی سه گانه باشد: (۱) اعلام این سیاست که ایالات متحده و دیگران به گونه ای منفعل توسعه هسته ئی ایران پس از انقضای برجام را نخواهند پذیرفت؛ (۲) مذاکره برای تمدید محدودیت های برجام بر فعالیت های هسته ئی ایران؛ و (۳) تقویت نظام منع اشاعه هسته ئی در سطح جهان برای محدود کردن فعالیت های مربوط به چرخه سوخت هسته ئی دولت ها و محدود کردن گزینه های ایران پس از انقضای برجام.

رکن دوم: مقابله با فعالیت های منطقه ای و جهانی ایران

در حالی که ایالات متحده سیاست خود در مورد ایران را بر روی موضوع هسته ئی متمرکز کرده است، متحدان امریکا در خاورمیانه بسیار بیشتر نگران تلاش های تهران در زمینه بسط قدرتش در منطقه بوده اند. در حالی که ایران به عمل خود از طریق کاربرد نیروهای نیابتی مانند حزب الله در لبنان و شبه نظامیان شیعه در عراق و جاهای دیگر ادامه می دهد فعالیت های منطقه ئی او هر چه بیشتر شکل مستقیم و آشکار به خود می گیرند. مقامات رسمی ایران، به ویژه آنهایی که با سپاه پاسداران پیوند دارند، هیچ کوششی برای پوشاندن هدف این فعالیت ها ندارند - بسط قدرت ایران تا دریای مدیترانه، بازداری ایالات متحده، تضعیف و یا مشغول کردن دشمنان ایران. یکی از اهداف ایران تضعیف انحصار قدرت و وفاداری ملی در دولت های مورد هدف از طریق ایجاد نهادهای امنیتی، سیاسی و مذهبی زیر کنترل تهران است. این کار نه تنها قدرت ایران را تقویت می کند بلکه باعث از میان رفتن نهادهای آسیب پذیر دولتی و شعله ور کردن فرقه گرایی می شود. به دلایل گوناگون، ایران بیشتر بر قدرت نامتقارن (۳) و ستراتیژیک تکیه می کند تا قدرت متعارف؛ حتی اگر تخفیف تحریم ها امکانات بازسازی ظرفیت های متعارف را برای ایران فراهم سازد، احتمالاً به این روش [قدرت نامتقارن] ادامه خواهد داد.

با این همه ایالات متحده باید از وسوسه مقابله و اکنشی با هر عمل ایران در منطقه بپرهیزد و در عوض باید بر روی بازداری ایران در هرجا که آشکارا منافع و ستراتیژی ایالات متحده را به مبارزه می طلبد، متمرکز شود. از آنجا که بسیاری از متحدان ایالات متحده در خارج از خاورمیانه احساس خطری نسبت به ایران مانند ایالات متحده ندارند (مثلاً در مورد برنامه راکتی ایران یا پشتیبانی آن از تروریسم) و نسبت به بازگشایی پرونده هسته ئی بدگمان هستند، هر تلاشی برای به عقب راندن جمهوری اسلامی باید بر نقش ایران در موضوعاتی مانند بی ثباتی در سوریه و یمن یا نقض حقوق بشر تأکید ورزد که احتمالاً بیشتر باعث جلب علاقه و پشتیبانی آنها خواهد شد. افزون بر آن، بازدارندگی موفق مستلزم این است که ایالات متحده و متحدانش آمادگی داشته باشند تا در صورتی که ایران

سیاست های خود را تعدیل کند، اقدامات تنبیهی به ضد ایران را تخفیف دهند، در غیر این صورت، تهران هیچ
انگیزه ای برای چنین کاری نخواهد داشت.
ادامه دارد